

رہبر شہیدم

مروری بر زندگی و اندیشہ

حضرت آیت اللہ العظمی امام خامنہ‌ای رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

کتاب پشتیبان سوم - آرمان اصلی انقلاب اسلامی چه بود؟

۱. زمینه شکل‌گیری انقلاب اسلامی

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲. مبانی اعتقادی انقلاب اسلامی

ملت، در درجه‌ی اول، اسلام و قرآن و نظام اسلامی را می‌خواهد. عدالت اجتماعی را، نظام اسلامی می‌تواند و باید تأمین کند. شخصیت‌های آذربایجانی در تمام دوران انقلاب و در گذشته‌ی تاریخ توانسته‌اند نقش بارزی را نشان بدهند در حفظ آرمانها و آرزوهای این ملت و امروز بزرگ‌ترین این آرمانها و آرزوها، همان آرمان انقلاب اسلامی است، که همه چیز این ملت را می‌تواند تأمین کند و تأمین خواهد کرد. (بیانات در جمع مردم تبریز در استادیوم ورزشی تبریز ۱۳۷۲/۵/۵)

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف التحیه و الثناء و عجل‌الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را

که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. (سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجههٔ همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصلوة و السلام) هستیم. اینکه انتظار نیست!

انتظار چیست؟ انتظار دست قاهرِ قدرتمندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطرهٔ ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بندهٔ واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. (دیدار اقبشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷)

خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ کس تصور آن را نمیکرد! بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد. باید منتظر بود. (بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» ۱۳۹۳/۳/۲۱)

از این که ملتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، واهمه دارند و می‌ترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر

شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می‌شود. (بیانات به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

۳. اهداف انقلاب اسلامی

نمونه‌هایی از اهداف انقلاب اسلامی:

۱) نه شرقی، نه غربی

فرض کنید یکی از عناوین مهم این انقلاب، انقلاب «نه شرقی، نه غربی» بود؛ امروز شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با کمال قوت و قدرت. «نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، پالوده‌سازی^۱ کنیم کشور را و فرهنگ را از آمیختگی با فرهنگ منحط غرب؛ در زمینه‌ی سیاسی تحت تأثیر غرب نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و مُنقاد^۲ نسبت به غرب نباشیم؛ «نه غربی» یعنی این؛ [البته] معنای «نه شرقی» هم همین است، لکن امروز دیگر [بلوک] شرقی نیست. غرب، کجا است؟ آمریکا است، اروپا است؛ [خب] دولتهای اروپایی یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک نقشه‌ی راه طولانی و کلانی دارند؛ و ما به‌عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست غرب نجات بدهیم؛ این یک وظیفه است. آیا این وظیفه را تا حالا انجام داده‌ایم یا نه؟ چقدر انجام داده‌ایم؟ کجاها انجام داده‌ایم؟ اگر در مواردی انجام نگرفته است، مشکل کجا است؟ بر اساس شناخت آن مشکل، مطالبه برای این مجلس به‌وجود می‌آید. این

۱. خالص‌سازی

۲. فرمان‌بردار

مطالبه ممکن است از این حقیر باشد، ممکن است از دولت باشد، ممکن است از قوه‌ی قضائیه باشد، ممکن است از سپاه باشد، ممکن است از مجلس [باشد]؛ یک مطالبه‌ای بر این اساس به وجود می‌آید. این یک مثال است. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۶/۳۰)

۲) اقتدار اقتصادی

یا فرض بفرمایید در زمینه‌ی اقتصادی. خب یکی از ارکان اقتدار کشور، اقتدار اقتصادی است و در اقتدار اقتصادی، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛ یعنی پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان، برای دارندگان آن پول، ثروت ایجاد بکند. اگر چنانچه ما بر اساس سیاستهای اجرائی غلط، تصمیم‌گیری‌های نادرست، بی‌مبالاتی‌های گوناگون، به وضعی رسیدیم که پول ملی همین‌طور روزبه‌روز تنزل کرد و پایین رفت، این عقب‌رفت است، این پس‌رفت است. باید این را مشخص کنیم و بر اساس این، مطالبه تنظیم کنیم، مطالبه تعریف کنیم. این مطالبه میتواند مثلاً از دولت باشد، میتواند از مجلس باشد؛ و هَلَمْ جَرَّأ.^۳

۳) عدالت

یکی از چیزهایی که از اول در انقلاب مطرح بوده است، مسئله‌ی عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله‌ی بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه‌ی با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری‌ای است که سوسیالیست‌ها یا کمونیست‌ها بیان میکنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع اسلامی و مدارک اسلامی همه تأیید و تأکید میکند بر این معنا. نه اینکه ما دست بگذاریم روی ثروت ثروتمندان و بخواهیم این ثروت را

^۳ . به همین ترتیب، به همین نحو

از اینها بگیریم؛ نه، بلکه بایستی کشور را جوری اداره بکنیم که فاصله‌ی بین فقیر و غنی کم بشود. خب، این مسئله‌ی بسیار مهمی است و امروز در دنیا هم مطرح است؛ این «ضریب جینی» که در دنیا مطرح است و امروز جزو معیارها و شاخصهای اقتصادی است، همین است؛ در واقع، به یک معنا فاصله‌ی بین فقیر و غنی است. ما باید نگاه کنیم ببینیم در این زمینه - از نظر اسلام - چقدر پیش رفته‌ایم، چقدر حرکت کرده‌ایم؛ چرا این جور شده. محاسبه کنیم اینها را. (۴) حراست از انگیزه و روحیه‌ی انقلابی یا فرض بفرمایید حفظ و حراست از انگیزه‌های انقلابی. شرط دوام حیات جمهوری اسلامی وجود انگیزه‌های انقلابی و وجود روحیه‌ی انقلابی است. اگر روحیه‌ی انقلابی نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود؛ بله، یک حکومتی سر کار خواهد بود، اما آن حکومت، دیگر جمهوری اسلامی نیست. این حرکت مردم، این خونهایی که دادند، این زحماتی که کشیدند برای احیاء اسلام، برای احیاء شریعت اسلامی، برای این بوده؛ اینها از بین خواهد رفت، لگدمال خواهد شد. بنابراین، انگیزه‌ی انقلابی برای حفظ جمهوری اسلامی حتماً لازم است. این انگیزه در چه وضعی است؛ آیا کم شده، آیا زیاد شده، آیا ادامه پیدا کرده، چه مقابله‌ها و مبارزه‌هایی با این انگیزه انجام میگیرد، راه مقابله‌ی با آنها چیست؛ و بر اساس آن، مطالبه تنظیم کنیم. فرض بفرمایید بنده که در صحبت‌های مختلف مدام می‌گویم که به بچه‌های انقلابی و حزب‌اللهی کمک کنید، معنایش همین است؛ یعنی این یک مطالبه است بر اساس نگاه به حرکت انقلابی کشور. البته در این زمینه خوشبختانه کشور عقب که نرفته هیچ، پیش هم رفته؛ این هم قابل اثبات و مسلم [است].

۵) کمک به تدین مردم

خب ما می‌خواهیم مردم متدین بشوند. این حرف گاهی تکرار شده که «ما مردم را نمی‌خواهیم بزور به بهشت ببریم.»؛ خب این به نظر ما یک تعبیر صحیحی نیست، تعبیر مغالطه‌آمیزی است. هیچ کس بزور کسی را به بهشت نمی‌خواهد ببرد اما بایستی ما راه بهشت را به روی مردم باز کنیم، مردم را تشویق کنیم. اصلاً

پیغمبران برای این آمدند؛ آمدند که مردم را به بهشت ببرند، نگذارند مردم به جهنم بروند؛ اصلاً تمام ارسال رسل و انزال کتب و این همه زحمت و مجاهدت برای این بوده که نگذارند مردم دچار جهنم بشوند. این وظیفه‌ی ما است، باید این کار را انجام بدهیم، مردم باید متدین بشوند؛ در این شکی نیست. البته از طریق درست و به شکل درست. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۶/۳۰)

۴. برکات انقلاب اسلامی

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور

در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت موتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیّت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز موتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتهای و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملّتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای

زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر

افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروّج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتّفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویّت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعّال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابعاً: نماد پُرابّهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و

مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است.

و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)